

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه لایحه اصلاح تشکیلات قضایی دادگستری

در تمامی نظام های حقوقی، تغییرات قوانین شکلی نسبت به قوانین ماهوی بیشتر و سریع تر است. علت آن هم امری است که به ماهیت این دو دسته از قوانین بر می گردد چرا که یکی راجع به ماهیت حق و دیگری مربوط به نحوه اجرای آن است و قانونگذاران به محض آنکه در اثر تجربه راه بهتری را برای اجرا و استیفای حق بیابند بی درنگ آن را برمی گزینند. قوانین مربوط به «تشکیلات قضایی» نیز که از جمله قوانین شکلی اند، از این قاعده مستثنی نیستند. در کشور ما، تغییر تشکیلات قضایی چه پیش و چه پس از انقلاب اسلامی قابل توجه بوده است. شاید موضوع حذف داسراها، مهم ترین تغییر در تشکیلات قضایی کشور طی سالیان پس از انقلاب به حساب آید. زیرا گر چه به موجب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (۱۳۷۳)، داسراها حذف گردید و این خود تحولی بزرگ محسوب می شود ولی این تنها تغییر ایجاد شده به موجب این قانون نبود. حذف دادگاه های کیفری ۱ و ۲، حقوقی ۱ و ۲، مدنی خاص و ایجاد دادگاههای تجدید نظر در مرکز هر استان را نیز باید از جمله این تغییرات دانست.

با آغاز دوره مدیریت جدید در قوه قضائیه در گام نخست نسبت به احیای داسراها اقدام شد که اکنون پس از چند سال از زمان اجرایی شدن آن، برکات و مواهب این اقدام روز به روز آشکار تر می شود. ولی پس از اصلاحات ضروری و در واقع فوری انجام شده به موجب لایحه اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (۱۳۸۲)، مطالعه جامع و به دور از شتابزدگی راجع به تشکیلات قضایی موجود و رفع نواقص آن و با عنایت ویژه به توسعه تعدد قاضی در سیستم قضایی، استفاده از

مشاوران و نیز تأسیس برخی مراجع و محاکم تخصصی با افزایش انسجام و کارآمدی تشکیلات موجود، آغاز شد.

از سوی دیگر، یافتن راهکارهایی برای کاهش اطاله دادرسی و تراکم پرونده ها در تمامی مراحل، همسوئی و زمینه سازی برای اجرای اهداف مورد نظر در لوایح تقدیمی دیگر مانند لایحه آئین دادرسی کیفری، حمایت از خانواده و شوراهای حل اختلاف و نیز در برخی از لوایح در دست تدوین مانند لایحه اصلاح آئین دادرسی مدنی و نیز بر طرف نمودن برخی از اشکالات موجود مانند تشکیل دادگاههای کیفری استان در شهرستان ها و برداشتن برخی از خلاء ها مانند نداشتن مقرراتی جامع برای دیوان عالی کشور به علت پایان یافتن مدت آزمایشی قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰ کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، بازنگری در تشکیلات قضایی را با نگاهی جامع و همه جانبه ایجاب می نماید. بنابر این، اهداف تدوین این لایحه را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- افزایش انسجام و کارآمدی تشکیلات قضایی؛

۲- کاهش اطاله دادرسی و تراکم پرونده ها ؛

۳- افزایش استحکام تصمیمات و آراء قضائی؛

۴- ایجاد مراجع قضایی تخصصی؛

۵- رفع اشکالات و خلاء های کنونی.

در جهت دستیابی به اهداف مذکور از جمله موارد زیر در این لایحه پیش بینی شده است:

۱- ایجاد واحد بررسی به عنوان مرجعی برای ارشاد قضایی، سعی در صلح و سازش و تکمیل

دادخواست، پیش از طرح دعوا در دادگاه؛

۲- ایجاد مراجع قضایی تخصصی در دادگاه ها مانند دادگاه تجاری ؛

۳- ارتقاء شرایط قضات دادگاههای پژوهشی و دیوان عالی کشور؛

۴- توسعه تعدد قاضی و استفاده از مشاور در تمامی دادگاههای نخستین؛

۵- تشکیل دادگاه جنائی در تمامی حوزه های قضائی شهرستان؛

۶- ایجاد دادگاه بخش در حوزه های قضائی بخش.

لازم به ذکر است، در اصلاحات پیشنهادی در این لایحه اولاً جنس پیشنهادها بیشتر از نوع تأسیس است و نه تغییر و انحلال، ثانیاً سعی بر آن بوده است که به حداقل تغییرات ضروری اکتفا شود که ضمن آنکه این تغییرات، در حل مشکلات موجود گره گشا بوده، باعث ایجاد اخلال و وقفه در نظام دادرسی کشور و زحمت و سردرگمی برای ارباب رجوع نشود.

لایحه اصلاح تشکیلات قضایی دادگستری

ماده ۱- به منظور تحقق کامل عدالت قضائی و همسو با اقتضائات نوین ناشی از سیاست های توسعه قضائی و در جهت افزایش انسجام و کارآمدی تشکیلات قضایی، کاهش اطاله دادرسی، افزایش استحکام تصمیمات و آراء قضائی، ایجاد مراجع قضایی تخصصی و رفع اشکالات و خلایق های موجود، تشکیلات قضائی دادگستری به شرح مواد آتی اصلاح می شود.

بخش اول - دادرسی

ماده ۲- به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در هر حوزه قضائی شهرستان و در معیت دادگاههای آن حوزه، دادسرای «شهرستان» تشکیل می شود.

ماده ۳- دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می شود و به تعداد لازم، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

ماده ۴- به تشخیص رئیس قوه قضائیه دادرسیهای تخصصی از قبیل دادسرای جرایم کارکنان دولت، جرایم مربوط به امور پزشکی و داروئی، رایانه ای، اقتصادی و حقوق شهروندی، زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می شود.

ماده ۵ - انجام وظایف دادسرا، در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۶ - دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و قضاتی که وظایف مقامات دادرسی را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آرای کیفری، نظارت داشته، تعلیمات لازم را ارائه خواهد نمود.

ماده ۷ - دادستان کل کشور بر همه دادرسی‌های عمومی و انقلاب و نظامی سراسر کشور از حیث انجام وظایف قانونی نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها پیشنهادها را لازم را به رئیس قوه قضاییه ارائه می‌دهد.

بخش دوم - دادگاه

فصل اول - دادگاههای نخستین

مبحث اول - دادگاههای کیفری

ماده ۸ - دادگاههای کیفری به دادگاه «کیفری عمومی»، «جنایی»، «انقلاب»، «اطفال و نوجوانان» و «نظامی» تقسیم می‌شوند.

ماده ۹ - دادگاه کیفری عمومی با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و یک نفر مشاور حقوقی در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

ماده ۱۰ - دادگاه جنایی با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و دو عضو مستشار در تمام حوزه‌های قضایی شهرستان تشکیل می‌شود و در صورت عدم امکان تشکیل، در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، رسیدگی به جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه در نزدیک‌ترین دادگاه جنایی مستقر در آن استان رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۱ - دادگاه انقلاب با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و دو عضو مستشار در مرکز هر استان تشکیل می‌شود و تشکیل آن در سایر حوزه‌های قضایی به تشخیص رئیس قوه قضاییه است.

ماده ۱۲- دادگاه کیفری عمومی صلاحیت رسیدگی به تمامی جرایم را دارد مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

ماده ۱۳- جرایم زیر در دادگاه جنایی رسیدگی می‌شود:

۱- جرایم مستوجب مجازات سلب حیات؛

۲- جرایم مستوجب مجازات قطع یا قصاص عضو؛

۳- جرایم مستوجب مجازات حداکثر بیش از سه سال حبس و حبس ابد؛

۴- جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

تبصره - به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه جنایی مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۴- جرایم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود:

۱- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام؛

۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛

۳- جرائم مربوط به مواد مخدر و قاچاق آن و قاچاق اسلحه، مهمات و مواد منفجره.

ماده ۱۵- رسیدگی به تمام جرائم رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آن‌ها، رئیس و

اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و

خبرگان رهبری، وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران،

استانداران و افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه

کیفری عمومی یا دادگاه جنایی تهران است، مگر آن که رسیدگی به این جرائم به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

تبصره - شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

ماده ۱۶- رسیدگی به جرائم معاونان و مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی یا دادگاه جنایی مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آن که رسیدگی به این جرائم به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

ماده ۱۷- صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع مواد ۱۵ و ۱۶ این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

ماده ۱۸- هر گاه دو یا چند نفر متهم به مباشرت یا معاونت در ارتکاب جرمی باشند و یکی از آنان جزو مقامات مذکور در مواد ۱۵ و ۱۶ باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد در دادگاه کیفری مربوط در تهران یا مرکز استان رسیدگی می‌شود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد تمامی مواردی که رسیدگی به اتهام یک یا چند نفر از مشارکان یا معاونان جرم در صلاحیت انحصاری یکی از دادگاهها است، نیز اجرا می‌شود.

ماده ۱۹- به جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائمی که مجازات آنها سلب حیات است، با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.

تبصره - تعداد اعضای هیأت منصفه هر شعبه دادگاه، حسب نیاز سی تا هفتاد نفر می باشد که توسط رئیس حوزه قضایی و با حضور رئیس شورای اسلامی شهرستان انتخاب می شوند و برای هر پرونده تعداد نه نفر از میان آن ها، به قید قرعه انتخاب می شوند و دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از آن ها تشکیل می شود. سایر احکام و ترتیبات هیأت منصفه همان است که در قوانین و مقررات مربوط ذکر شده است.

ماده ۲۰- دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط تشکیل و به تمامی جرایم افراد کمتر از ۱۸ سال رسیدگی می نماید.

ماده ۲۱- دادگاه نظامی به جرایم خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح مطابق قوانین مربوط رسیدگی می کند.

مبحث دوم - دادگاههای حقوقی

ماده ۲۲- دادگاههای حقوقی به دادگاه «حقوقی عمومی»، «خانواده» و «تجاری» تقسیم می شوند.

ماده ۲۳- به منظور انجام وظایف مربوط به تشکیل و تکمیل پرونده در دعاوی حقوقی و سعی در صلح و سازش و ارشاد قضایی «واحد بررسی» زیر نظر رئیس یا معاون هر یک از حوزه ها یا مجتمع های قضایی، بنا به تشخیص رئیس قوه قضائیه ایجاد می شود.

ماده ۲۴- هر واحد بررسی به تعداد لازم قاضی، کارمند دفتری و کارشناس در رشته های مختلف خواهد داشت. در غیاب «قاضی واحد بررسی»، یکی دیگر از قضات این واحد یا دادرسان دادگاه با تعیین «رئیس واحد بررسی» عهده دار انجام وظایف وی می شوند.

ماده ۲۵- در حوزه ها و مجتمع های قضایی که واحد بررسی ایجاد می شود، تمامی درخواست های مربوط به رسیدگی نخستین، به یکی از قضات واحد بررسی ارجاع می شود.

قاضی واحد بررسی که عهده‌دار کلیه وظایف و اختیارات مقرر برای تکمیل دادخواست و رفع نقص مرحله رسیدگی نخستین می‌باشد، در این باره اقدامات لازم را معمول می‌دارد و در صورتی که خواهان، استعلام از ادارات و سازمان‌ها و مطالبه پرونده‌های استنادی را در خواست نموده باشد، نسبت به انجام این امور نیز اقدام می‌کند و پس از احراز کامل بودن دادخواست و وصول پاسخ استعلامات و پرونده‌های استنادی، پرونده را به همراه گزارش تکمیل آن، نزد مقام ارجاع کننده ارسال می‌دارد.

ماده ۲۶- چنانچه موضوع در صلاحیت مرجع دیگری از قبیل شورای حل اختلاف و سایر شوراهای و هیئت‌ها و کمیسیون‌های خارج از دادگستری باشد، قاضی واحد بررسی، قبل از هرگونه اقدام دیگری، بطور کتبی متقاضی را به مرجع صالح هدایت و ارشاد می‌کند مگر آنکه یکی از مراجع مزبور به صلاحیت دادگاه از خود نفی صلاحیت نموده باشند که در این صورت برابر ماده قبل اقدام می‌شود.

ماده ۲۷- علاوه بر قرار ردّ دادخواست، قرارهای زیر به وسیله قاضی واحد بررسی صادر می‌شود:

۱- قرار ابطال دادخواست، چنانچه خواهان قبل از ارسال پرونده به دادگاه، دادخواست خود را مسترد نماید؛

۲- قرار تأمین خواسته تا زمانیکه پرونده به دادگاه ارسال نشده است؛

تبصره - صدور قرارهای مذکور در این ماده و سایر تصمیمات و اقدامات قاضی واحد بررسی و اجرای قرار تأمین خواسته و مفاد گزارش اصلاحی که بوسیله وی صادر می‌شود، مطابق مقررات آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی خواهد بود.

ماده ۲۸- خواهان می‌تواند هنگام تقدیم دادخواست، در دعاوی مالی نیز، هزینه دادرسی دعاوی غیر مالی را پرداخت کند و پس از آنکه قاضی واحد بررسی پرونده را از جهات دیگر

کامل و معدّ ارسال به دادگاه تشخیص دهد، نسبت به پرداخت مابقی آن اقدام کند. هرگاه خواهان مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله نخستین باشد، قاضی واحد بررسی به این دعوا وفق مقررات رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۲۹- قرارهای ابطال و ردّ دادخواست و رأی مبنی بر ردّ دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی که به وسیله قاضی واحد بررسی صادر می‌شود، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دادگاه صالح به رسیدگی به اصل دعوا می‌باشد. رأی دادگاه قطعی است.

ماده ۳۰- پس از وصول پرونده به دفتر دادگاه مرجوع‌الیه، مدیر دفتر مکلف است بلافاصله پرونده را به نظر قاضی دادگاه برساند. قاضی دادگاه اگر نقصی مشاهده نماید، ظرف دو روز مورد یا موارد نقص را قید نموده و پرونده را نزد قاضی واحد بررسی مربوط می‌فرستد. قاضی واحد بررسی، بدون فوت وقت، مبادرت به تکمیل موارد قید شده می‌نماید.

ماده ۳۱- در صورت حضور طرفین، قاضی واحد بررسی، آنان را به نحوی ارشاد می‌نماید که حتی‌المقدور اختلاف آنان از طریق صلح و سازش خاتمه یافته یا توافق نمایند حل و فصل اختلاف خود را به قاضی تحکیم یا داوری یا شورای حل اختلاف ارجاع نمایند. در صورت حصول سازش قاضی واحد بررسی مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌کند و در صورت توافق برای رجوع به مراجع مذکور، مراتب صورتجلسه و حسب درخواست هریک از طرفین تصویر برابر با اصل به آنان اعطاء خواهد شد و پرونده بایگانی می‌شود.

ماده ۳۲- هر یک از طرفین، مادام که پرونده در واحد بررسی می‌باشد، می‌توانند از واحد بررسی بطور کتبی درخواست نمایند که طرف او را برای سازش دعوت کند. در این صورت، قاضی واحد بررسی با داشتن وظایف و اختیارات مقرر برای دادگاهها، اقدامات قانونی را معمول داشته و در صورت حصول سازش مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌کند.

ماده ۳۳- دادگاههای حقوقی عمومی با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و یک نفر مشاور حقوقی تشکیل می‌شوند مگر برای رسیدگی به دعاوی که خواسته یا ارزش آن یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد که در این صورت با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و دو عضو مستشار تشکیل می‌شوند.

ماده ۳۴- دادگاه حقوقی عمومی صلاحیت رسیدگی به تمامی امور و دعاوی غیر کیفری را دارد مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

ماده ۳۵- دادگاه خانواده در تمامی حوزه‌های قضایی شهرستان، تشکیل می‌شود.

تبصره- از زمان اجرای این قانون، در حوزه‌های قضایی شهرستان که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه حقوقی عمومی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط، به امور و دعاوی موضوع صلاحیت این دادگاه رسیدگی می‌کند.

ماده ۳۶- دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و دو عضو مستشار که یکی از آن دو از بانوان دارنده پایه قضایی است، تشکیل می‌شود. رسمیت جلسه و صدور رای با اکثریت امکان پذیر است.

ماده ۳۷- دادرس دادگاه خانواده باید دارای شرایط زیر باشد:

۱- متأهل و فاقد سابقه سوء رفتار خانوادگی باشد؛

۲- دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی باشد؛

۳- دوره‌های آموزشی تخصصی را که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین و به وسیله این قوه برگزار می‌شود، طی نموده باشد.

ماده ۳۸- دعاوی و امور زیر در دادگاه خانواده رسیدگی می‌شود:

۱- نامزدی و خسارات ناشی از بر هم خوردن آن؛

۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح؛

۳- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن؛

۴- نفقه اقارب، مهریه و نفقه زوجه و سایر حقوق قانونی ناشی از رابطه زوجیت؛

۵- جپیزیه؛

۶- حضانت و ملاقات طفل؛

۷- نسب؛

۸- نشوز و تمکین زوجین؛

۹- ولایت قهری، قیمومت و امور راجع به ناظر و امین محجوران؛

۱۰- رشد، حجر و رفع آن؛

۱۱- شروط ضمن عقد نکاح؛

۱۲- سرپرستی کودکان بی سرپرست؛

۱۳- اهداء جنین.

ماده ۳۹- دادگاه خانواده به جرایم جنحه ای و خلافی مربوط به امور خانواده که فی مابین

زوجین واقع شده است، نیز وفق مقررات آئین دادرسی کیفری رسیدگی می نماید.

ماده ۴۰- به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی به ویژه طلاق

و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب این

قانون، در کنار دادگاه های خانواده « مراکز مشاوره خانواده » را ایجاد نماید.

ماده ۴۱- در حوزه های قضایی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، تمامی اختلافات خانوادگی پیش از طرح در دادگاه خانواده در این مراکز مطرح می شود.

ماده ۴۲- مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره ای، سعی در ایجاد سازش می نمایند. در صورت حصول سازش مبادرت به تنظیم سازش نامه نموده و گرنه نظر کارشناسی خود را به طور کتبی و مستدل اعلام می نمایند.

ماده ۴۳- دادگاه باید با در نظر گرفتن نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده مبادرت به صدور رای نماید مگر آنکه نظریه مزبور را برخلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه تشخیص دهد.

ماده ۴۴- اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسانی در رشته های مختلف مانند روانشناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق، فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می شوند و لاقلاً نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان واجد شرایط باشند. سایر شرایط، تعداد اعضا، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات آنان، تشکیلات، شیوه انجام وظایف و تعداد مراکز مشاوره خانواده و نیز تعرفه خدمات مشاوره و نحوه پرداخت آن به موجب آئین نامه ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

ماده ۴۵ - دادگاه تجاری با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و دو عضو مستشار، در تمامی حوزه های قضایی مراکز استان ها تشکیل می شود. تشکیل دادگاه تجاری در حوزه های قضائی شهرستان، به تناسب امکانات با تشخیص رئیس قوه قضائیه می باشد.

تبصره- در هر حوزه قضایی شهرستان که دادگاه تجاری تشکیل نشده باشد، به امور و دعاوی تجاری، در دادگاههای حقوقی عمومی آن شهرستان، مطابق مقررات مربوط رسیدگی می شود.

ماده ۴۶- قضات دادگاه تجاری باید واجد شرایط زیر باشند:

۱- داشتن مدرک کارشناسی ارشد با گرایش حقوق خصوصی یا سایر گرایش های مرتبط؛

۲- حداقل پنج سال سابقه قضاوت در محاکم؛

۳- گذراندن دوره های آموزشی تخصصی که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین و به وسیله این قوه برگزار می شود.

ماده ۴۷- رسیدگی به دعاوی و امور زیر در صلاحیت دادگاه تجاری است:

۱- دعاوی راجع به معاملات بین تجار مگر آنکه مربوط به امور تجاری نباشد؛

۲- دعاوی راجع به معاملات تجاری بین تاجر و غیر تاجر؛

۳- دعاوی بین شرکتهای تجاری، دعاوی راجع به سهام و سهم الشرکه شرکتهای تجاری و دعاوی راجع به امور داخلی شرکت مانند دعاوی پذیره نویسان علیه مؤسسان و شرکت، دعاوی سهامداران و شرکا علیه شرکت، مدیران، مدیر عامل و بازرسان شرکت و بالعکس؛

۴- دعاوی راجع به فعالیتهای تجاری اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی؛

۵- دعاوی راجع به ثبت، انحلال و تصفیه شرکتهای تجاری؛

۶- ورشکستگی و دعاوی که در جریان و در ارتباط با آن مطرح می شود؛

۷- دعاوی مربوط به اسناد تجاری، اعتبارات اسنادی، ضمانت نامه ها و تسهیلات بانکی که برای امور تجاری اعطاء شده است؛

۸- اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی و انواع قراردادهای تجاری از قبیل مشارکت تجاری، قائم مقام تجاری، انتقال تکنولوژی و دانش فنی؛

۹- اختلافات راجع به مالکیت فکری اعم از ادبی و هنری یا صنعتی و تجاری؛

۱۰- امور و دعاوی راجع به اجرای اسناد خارجی و آراء داوری و نیز شناسایی و اجرای احکام

دادگاههای خارجی در صورتی که رسیدگی به اصل دعوی در صلاحیت دادگاه تجاری باشد؛

۱۱- امور و دعاوی راجع به تخلیه، سرقتی و حق کسب و پیشه و تجارت اماکن تجاری؛

تبصره ۱- چنانچه به موجب یک دادخواست، دعاوی متعددی اقامه شود که رسیدگی به برخی از

آنها خارج از صلاحیت ذاتی دادگاه تجاری باشد، در صورتی که این دعاوی دارای ارتباط کامل

باشند، دادگاه تجاری صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی اقامه شده را دارد.

تبصره ۲- به امور و دعاوی موضوع بند ۹ در دادگاه تجاری تهران رسیدگی می‌شود.

ماده ۴۸- دادگاه تجاری می‌تواند رأساً و یا بنا به درخواست یکی از اصحاب دعوی که تا پایان

جلسه اول دادرسی مطرح شده است، برای پرونده مشاور تجاری تعیین نماید. در این صورت

دادگاه با حضور مشاور تجاری تشکیل می‌شود، مشاور تجاری باید با توجه به عرف تجاری نظر

خود را در موضوع مورد اختلاف بیان نماید.

تبصره - چنانچه هر یک از اصحاب دعوی درخواست حضور بیش از یک مشاور تجاری را داشته

باشند، باید دلایل این امر و نوع مهارت‌هایی را که مشاوران مورد نظر لازم است دارا باشند، به

دادگاه اعلام نمایند، دادگاه در پذیرش یا رد این درخواست مختار می‌باشد.

مبحث سوم - دادگاه بخش

ماده ۴۹- دادگاه بخش با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و یک نفر مشاور حقوقی در

حوزه‌های بخش تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت می‌تواند دارای شعب متعدد باشد. در

این صورت رئیس شعبه اول بر سایر شعب ریاست اداری خواهد داشت .

ماده ۵۰ - دادگاه بخش به همه امور و دعاوی حقوقی و کیفری رسیدگی می‌نماید به استثناء

موارد زیر :

۱- جرایم مشمول مواد ۱۳ و ۱۴ این قانون؛

۲- دعاوی که خواسته یا بهای آن یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد؛

۳- دعاوی راجع به اصل نکاح و اصل انحلال آن، نسب، وقف، ثلث، حبس و تولیت؛

۴- سایر امور و دعاوی که به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری می باشد.

تبصره ۱- به جرایم و دعاوی موضوع بندهای ۱ و ۲ و ۳ حسب مورد در دادگاه کیفری یا حقوقی

شهرستان مربوط، وفق مقررات رسیدگی می شود.

تبصره ۲- قاضی دادگاه بخش در جرایم مشمول ماده ۱۳ این قانون، به جانشینی بازپرس تحت

نظارت دادسرای شهرستان مربوط انجام وظیفه می نماید. صدور کیفرخواست به عهده

دادستان می باشد.

ماده ۵۱- در دادگاه بخش، رئیس یا دادرس علی البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه

رأساً رسیدگی و رأی مقتضی صادر می کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث پژوهش

خواهی از آرا برعهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می شود، بر

عهده دادرس علی البدل است.

ماده ۵۲- رئیس قوه قضاییه می تواند در محل هایی که از دادگاه حوزه قضائی مربوط فاصله

زیادی دارند، دادگاههای سیار تشکیل دهد که به امور و دعاوی موضوع صلاحیت دادگاه بخش

وفق مقررات مربوط رسیدگی نمایند.

فصل دوم - دادگاه استان

ماده ۵۳- دادگاه استان جهت رسیدگی پژوهشی نسبت به آراء غیر قطعی دادگاههای بخش،

حقوقی و کیفری و حل اختلاف راجع به صلاحیت، در مرکز استان، با حضور رئیس یا دادرس علی

البدل و دو عضو مستشار تشکیل می شود.

ماده ۵۴- قضات دادگاه استان از میان دارندگان پایه قضایی که حداقل ده سال سابقه کار

قضایی داشته باشند، انتخاب می‌شوند.

ماده ۵۵ - شعب دادگاه استان به حقوقی و کیفری تقسیم می‌شود. رئیس دادگاه استان، رئیس شعبه اول بوده و بر همه شعب نظارت و ریاست اداری دارد.

بخش سوم - دیوان عالی کشور

ماده ۵۶ - دیوان عالی کشور در تهران مستقر بوده و شعب آن از رئیس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود.

ماده ۵۷ - دیوان عالی کشور به تعداد لازم عضو معاون خواهد داشت که می‌تواند وظایف مستشار را عهده‌دار شود.

ماده ۵۸ - شعب دیوان عالی کشور به حقوقی و کیفری تقسیم می‌شود. رئیس دیوان عالی کشور رئیس شعبه اول و رئیس هیئت عمومی بوده و بر همه شعب نظارت و ریاست اداری دارد.

ماده ۵۹ - رسیدگی در دیوان عالی کشور منحصر به رسیدگی فرجامی است. رسیدگی فرجامی عبارت از بررسی آراء از جهت انطباق با قوانین می‌باشد.

ماده ۶۰ - رئیسان شعب، مستشاران، اعضای معاون و معاونان قضایی رئیس دیوان عالی کشور از میان قضاتی که واجد یکی از دو شرط زیر باشند، انتخاب می‌شوند:

۱- دارندگان درجه اجتهاد یا دکترای حقوق که حداقل دارای ده سال سابقه کار قضائی در دادگاهها یا دادسراها باشند؛

۲- قضات دارای بیست سال سابقه قضایی که حداقل دارای ده سال سابقه کار قضایی در دادگاهها یا دادسراها باشند.

تبصره - احراز شرایط فوق با رئیس قوه قضائیه می‌باشد.

ماده ۶۱ - هرگاه از سوی شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها به دلیل استنباط متفاوت از قوانین، نسبت به موارد مشابه آرای مختلفی صادر شود، رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عالی یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، به منظور ایجاد وحدت رویه، نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را درخواست می‌نمایند. هیأت عمومی به ریاست رئیس دیوان و با حضور دادستان کل یا نماینده او و حداقل سه چهارم رئیسان، مستشاران و اعضای معاون شعب، تشکیل و پس از بررسی موضوع، اتخاذ تصمیم می‌نماید. رأی اکثریت که مخالف موازین شرعی نباشد، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها، لازم الاتباع است ولی نسبت به احکام نهایی شده بی اثر می‌باشد.

ماده ۶۲ - رئیس دیوان عالی کشور می‌تواند از صاحب نظران یا قضات مربوط جهت شرکت در جلسات هیأت عمومی بدون حق رأی دعوت بعمل آورد.

ماده ۶۳ - دادرسی دیوان عالی کشور، به ریاست دادستان کل، در معیت دیوان عالی کشور بوده و در تهران مستقر می‌باشد.

ماده ۶۴ - دادرسی دیوان عالی کشور، به تشخیص رئیس قوه قضائیه، به تعداد لازم دارای دادیار خواهد بود.

بخش چهارم - سایر مقررات

ماده ۶۵ - تعیین تعداد شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و دادرسیها به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۶۶ - رئیس کل دادگستری استان، بالاترین مقام قضایی استان است و عهده دار مدیریت قضایی، اداری و مالی تمامی دادگستریها، دادگاهها و دادرسیهای حوزه آن استان مطابق مقررات این قانون و سایر قوانین مربوط می‌باشد.

ماده ۶۷- رییس دادگستری شهرستان مرکز استان و سایر شهرستانها رییس حوزه قضایی و رییس شعبه اول دادگاههای حقوقی است و بر دادگاهها و دادسراهای آن شهرستان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت.

ماده ۶۸- در صورت تعدد شعب دادگاه انقلاب، رییس شعبه اول، به عنوان معاون رییس دادگستری شهرستان، ارجاع پروندهها و نظارت بر سایر شعب را عهده دار خواهد بود.

ماده ۶۹- سرپرستان مجتمعهای قضایی بعنوان معاون رییس دادگستری شهرستان مربوط و سرپرستان دادسراهای تخصصی و ناحیه ای به عنوان معاون دادستان شهرستان مربوط انجام وظیفه می نمایند.

ماده ۷۰- رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس کل دادگستری استان، رئیس دادگاه استان، رییس دادگستری شهرستان و دادستان شهرستان، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب و سرپرستان مجتمعهای قضایی و دادسراهای تخصصی و ناحیه ای می توانند بنا به تشخیص رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم معاون داشته و اموری از قبیل ارجاع پروندهها، نظارت بر امور و واحدهای مربوط را به آنان محول نمایند.

ماده ۷۱- رئیس قوه قضائیه می تواند با توجه به نوع دعاوی، تبحر و تجربه قضات، هر یک از شعب دادگاههای کیفری، حقوقی، استان و دیوان عالی کشور را برای رسیدگی به دعاوی خاص اختصاص دهد یا مجتمع های قضایی و دادسراهای تخصصی یا مختص نواحی معین از شهرهای بزرگ ایجاد نماید. این امر مانع رسیدگی شعب مزبور به سایر دعاوی و نافی صلاحیت سایر شعب نمی باشد.

ماده ۷۲- در تمامی مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش بینی شده است، رسمیت جلسه و صدور رأی بوسیله اکثریت آنها امکان پذیر است ولی نظر اقلیت باید به طور مستدل در پرونده منعکس شود.

ماده ۷۳- در تمامی مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش‌بینی شده است، یکی از اعضاء با تعیین رئیس شعبه، گزارش جامعی از پرونده و سیر و جریان رسیدگی تهیه می‌نماید. این گزارش در ابتدای جلسه قرائت شده و در پرونده منعکس می‌شود.

ماده ۷۴- در تمامی مواردی که در این قانون مشاور حقوقی پیش‌بینی شده است، تشکیل جلسه دادگاه منوط به حضور مشاور حقوقی است. مشاوران حقوقی و تجاری مکلفند در جلسات رسیدگی حاضر شوند و می‌توانند پرونده را مطالعه کنند و با اجازه و هماهنگی با قاضی رسیدگی کننده از طرفین سؤال نمایند.

ماده ۷۵- جهات رد مشاوران حقوقی و تجاری، همان جهات رد دادرس می‌باشد. مشاور، حداکثر ظرف سه روز پس از ارجاع، نظر کتبی خود را به طور مستدل، به دادگاه اعلام می‌نماید. این مهلت تنها با درخواست کتبی مشاور و موافقت دادگاه برای سه روز دیگر قابل تمدید است. چنانچه در پایان مهلت، نظر مشاور به دادگاه ارائه نشود، دادگاه می‌تواند مشاور دیگری تعیین نماید و یا رأساً مبادرت به صدور رأی نماید.

ماده ۷۶- در صورتی که نظر دادگاه مخالف نظر مشاور باشد، به نحو مستدل، به رد نظر مشاور در رأی اشاره می‌شود.

ماده ۷۷- مشاوران حقوقی مذکور در این قانون، از بین دارندگان مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق و مشاوران دادگاه تجاری از میان تجار دارای حسن شهرت که با قوانین و عرف و عادت تجاری آشنا هستند، با ابلاغ رئیس قوه قضائیه به تعداد کافی برای هر یک از حوزه های قضائی، انتخاب می‌شوند.

تبصره ۱- تعیین مشاور حقوقی هر شعبه دادگاه با توجه به تجربه و تبحر وی و نوع پرونده های آن شعبه بر عهده رئیس یا معاون حوزه یا مجتمع قضائی مربوط است. تعیین مشاور تجاری در هر پرونده بر عهده رئیس دادگاه رسیدگی کننده است.

تبصره ۲ - سایر شرایط، نحوه انتخاب و عزل، رسیدگی به تخلفات و پرداخت حق الزحمه مشاوران به موجب آئین‌نامه اجرایی این قانون که ظرف سه ماه پس از تصویب توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، تعیین می‌شود.

ماده ۷۸ - تمامی قضات مکلفند به پرونده‌های مطروح در مراجع قضائی، در اسرع وقت و ظرف مهلت زمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه با توجه به نوع و موضوع دعاوی تعیین می‌گردد، رسیدگی و تصمیم مقتضی صادر نمایند. در صورتی که به هر علت در مهلت مزبور امکان رسیدگی و ختم پرونده فراهم نشود، قاضی مربوط طی گزارشی، ضمن اعلام علت تأخیر به مقام ارجاع، تقاضای تعیین مهلت دیگری می‌نماید و مقام مزبور پس از بررسی بنا به تشخیص خود مهلت زمانی دیگری تعیین و به قاضی مربوط اعلام و چنانچه سهل انگاری قاضی یا قضات رسیدگی کننده باعث تأخیر شده باشد، مراتب تخلف را نیز به دادسرای انتظامی قضات اعلام می‌کند.

تبصره - آئین نامه اجرائی این ماده ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۷۹ - وضعیت پرونده‌های موجود، پس از اجرای این قانون به شرح زیر خواهد بود:

الف- رسیدگی به پرونده‌های مطرح در دادسراها و دادگاههای عمومی و انقلاب و بخش مطابق مقررات قبل از اجرای این قانون، تا ختم تحقیقات یا صدور رأی ادامه خواهد یافت .

ب- رسیدگی به پرونده‌های مطرح در دادگاه کیفری استان ، مطابق مقررات قبل از اجرای این قانون، ادامه خواهد یافت و با کاهش پرونده‌های موجود، شعب دادگاههای کیفری استان کاهش یافته و پس از مختومه شدن آخرین پرونده ، دادگاه کیفری استان منحل می‌شود.

تبصره ۱ - دادگاههای کیفری استان باید ظرف یک سال از تاریخ اجرای این قانون ، پرونده‌های

موجود را تعیین تکلیف نمایند، پس از انقضای مهلت مزبور، اگر پرونده ای مختومه نشده باشد، حسب تصمیم رئیس کل دادگستری استان به دادگاه صالح برابر این قانون ارجاع و یا با تعیین مهلت در دادگاه کیفری استان رسیدگی ادامه می یابد.

تبصره ۲ - در صورت نقض رأی صادره از دادگاههای کیفری استان چنانچه نیاز به رسیدگی مجدد یا تکمیل تحقیقات باشد، به دادگاه صالح مطابق مقررات این قانون ارجاع می شود.

ماده ۸۰ - از تاریخ تصویب این قانون تمامی قوانین و مقررات مغایر ملغی می شود.^{۱۸ج۱}